

## بررسی عوامل موثر بر اعتماد زنان به پلیس در محله سرآسیاب تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴

منصوره اعظم آزاده<sup>۱</sup> و آرزو صادقی و لنی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۰

### چکیده

**زمینه و هدف:** پلیس نماد ظاهری اقتدار دولت است و اعتماد عمومی به پلیس یکی از شاخص‌های مهم مشروعیت نهادهای دولتی است. امروزه پلیس به عنوان یکی از ارکان مهم حکومت وظیفه برقراری نظم و امنیت در جامعه را بر عهده دارد و برای ایفای نقش مهم و حساس خود نیاز به همکاری و مشارکت مردمی داشته و این امر بدون جلب اعتماد تحقق نمی‌یابد. این پژوهش اعتماد اجتماعی زنان به پلیس و عوامل موثر بر آن را در محله سرآسیاب بررسی می‌کند.

**روش:** این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، پیمایشی است. جامعه پژوهش را زنان محله سرآسیاب تشکیل داده‌اند و نمونه ۱۳۵ نفری از آنان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و به وسیله پرسشنامه روا و پایا (آلفای کرونباخ ۰/۸۰٪) مورد پرسش قرار گرفته‌اند. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون تحلیل شدند.

**یافته‌ها و نتایج:** پژوهش نشان داد ۴۹ درصد از تغییرات اعتماد اجتماعی زنان به پلیس توسط متغیرهای «احساس امنیت»، «پایگاه اقتصادی-اجتماعی» و «کیفیت زندگی» در دو بعد عینی و ذهنی قابل پیش‌بینی است و سه متغیر «روابط همسایگی»، «احساس تعلق به محله» و «احساس امنیت» مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌اند. بنابراین عملکرد پلیس تاثیر زیادی بر اعتماد اجتماعی زنان و احساس امنیت آن‌ها گذاشته و در محلاتی که زنان کمتر امنیت و آسایش خاطر برای زندگی و رفت و آمد دارند، اعتماد به نهادهای کنترلی می‌تواند برای آن‌ها آرامش‌خاطری فراهم سازد.

**واژه‌های کلیدی:** اعتماد، پلیس، زنان، احساس امنیت، سرآسیاب، محله.

۱. دانشجویار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)؛ تهران، ایران maazadeh@gmail.com  
۲. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء(س)؛ تهران، ایران (نویسنده مسئول) arezou.sadeghi92@gmail.com

## مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و برای زندگی در جامعه، نیاز به ارتباط با انسان‌های دیگر دارد. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند تعاملات اجتماعی سالمی را بدون وجود حداقل‌هایی از اعتماد بین افراد و همچنین نهادهای اجتماعی شکل دهد. در واقع اعتماد یکی از اساسی‌ترین مولفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. اعتماد اجتماعی مبنایی برای کنش‌های اجتماعی افراد است و شکل‌گیری سطوح مختلفی از تعاملات با ثبات در زندگی اجتماعی کنشگران حقیقی و حقوقی یک جامعه منوط به حاضر بودن اعتماد در جامعه است (عمرانی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۶۸). کاکس<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) با تأکید بر عامل اعتماد به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی این نکته را خاطر نشان می‌سازد که در صورت وجود اعتماد در میان افراد و اجتماعات، روابط اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و اجتماعات موثر خواهد بود و فقدان آن، با عدم پیروی از قوانین، رفتارهای ضداجتماعی، جرم، خودکشی و سایر مسائل اجتماعی همراه خواهد بود (بهزاد، ۱۳۸۲، ص ۱۰).

سازمان‌ها، نهادهای اجتماعی و ساختارهای کلان جامعه بدون وجود اعتماد اجتماعی نمی‌توانند روابط خود را با افراد و دیگر نهادهای اجتماعی سازماندهی کنند. پلیس، جزء نهادهای مهم جامعه و حافظ جان، مال و نوامیس مردم و برقرار کننده امنیت در جامعه است. نیروی انتظامی گسترده‌ترین سازمان امنیتی - نظارتی است که بیش‌ترین قابلیت دسترسی را برای شهروندان دارد. پلیس جزء اولین نیروهایی است که در صحنه‌های مختلف حاضر می‌شود و در ابعاد مختلف به امداد رسانی و پاسخ‌گویی به مردم می‌پردازد، بنابراین باید از اعتماد و ضریب اطمینان قابل قبولی برخوردار باشد (انصاری، ۱۳۸۴، ص ۲۱۰). نهاد پلیس برای دستیابی به اهداف و انجام وظایف خود از قدرت عمومی برخوردار است، اما تنها با اتکا به قدرت و اجبار نمی‌تواند به اهداف خود نائل آید و در این راستا به مشارکت شهروندان نیاز دارد. بنابراین، یکی از طرح‌های ایجاد محیطی امن و تأمین احساس امنیت مردم، جلب اعتماد شهروندان به پلیس به عنوان یکی از کارگزاران مهم حکومتی است (شایگان، ۱۳۸۳، ص ۳۸).

به رغم اهمیتی که اعتماد شهروندان به پلیس برای این سازمان دارد، به نظر می‌رسد کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد، به طوری که نتایج بعضی پژوهش‌های انجام شده در کشور بیانگر آن است که همه شهروندان به پلیس اعتماد نداشته‌اند و بخش قابل توجهی از شهروندان اعتماد پایین و اندکی به پلیس دارند. نتایج پژوهش ذوالقدر (۱۳۸۹) در تبریز بیانگر آن است که تنها ۴ درصد جامعه پژوهش او اعتماد

بالایی به پلیس داشته‌اند، ۸۳ درصد اعتماد متوسط و ۱۳ درصد اعتماد کمی به پلیس داشته‌اند. کسی که به پلیس بی‌اعتماد است، کمتر احتمال دارد وقتی قربانی جرم شده از پلیس کمک بخواند و کمتر احتمال دارد با پلیس برای کنترل جرم و جنایت همکاری کند (تایلر، ۲۰۰۹، ص ۱۸).

امروزه سازمان فیزیکی شهر تاثیری عمیق بر الگوهای فرهنگی-اجتماعی زندگی شهری می‌گذارد. افزایش مهاجرت به کلان شهرها و شهرهای بزرگ و در نتیجه پیچیدگی مناسبات اجتماعی منجر به پدیده بیش از حد شهری شدن می‌شود. در این حالت امکانات شهری پاسخگوی نیازهای شهروندان نخواهد بود و به واسطه آن هنجارهای اجتماعی کم رنگ می‌شوند و آشفتگی و ناامنی فضای شهرها را احاطه می‌کند و این شرایط، مستعد بروز جرایم و آسیب‌های شهری است. پژوهش‌های مختلف نشان داده که تفرج‌گاه‌ها، بازارها و دیگر مراکز خرید عمومی در برابر جرم آسیب پذیر هستند. زنان معمولاً در برابر جرم‌ها آسیب پذیری و احساس ناامنی بیشتری دارند (عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲). در مکان‌هایی که زنان کمتر امنیت و آسایش خاطر برای زندگی و رفت و آمد دارند، اعتماد به نهادهای کنترلی می‌تواند برای آن‌ها آرامش خاطر فراهم سازد. بر همین اساس، پلیس به عنوان پناهگاه مردم، بایستی از ضریب اطمینان قابل قبولی برخوردار باشد تا قابلیت اتکاء یا اعتماد را در بین زنان داشته باشد.

اگرچه اعتماد به پلیس به طور خاص، تمامی زوایا و سطوح زندگی را تحت تاثیر قرار داده و به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی مطرح است، اما خود نیز تحت تاثیر متقابل بسیاری از عوامل اجتماعی قرار می‌گیرد که از میان آن‌ها می‌توان به نقش پایگاه اقتصادی-اجتماعی و کیفیت زندگی به عنوان متغیرهای مستقل اصلی و احساس امنیت اجتماعی به عنوان متغیر واسط اشاره کرد. احساس امنیت به طور مستقیم و کیفیت زندگی محله و پایگاه اقتصادی-اجتماعی به طور مستقیم و غیر مستقیم بر اعتماد به پلیس تاثیرگذارند. دلیل انتخاب این متغیرها به عنوان متغیرهای مرتبط با اعتماد به پلیس این است که اعتماد یک ویژگی است که در تعامل بین افراد در جامعه شکل می‌گیرد و متأثر از تجارب افراد از تعامل با هم و ذهنیاتی است که در جامعه در افراد ایجاد می‌شود. تحقیق حاضر با طرح پرسش‌هایی درصدد بررسی عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی زنان به در محله سرآسیاب است.

اهمیت مطالعه این موضوع از این جهت است که، وجود نظم و امنیت از اصولی‌ترین نیازهای مردم و زمینه‌ساز رشد و توسعه پایدار در جامعه است. در این میان سازمان پلیس به عنوان متولی اصلی تامین نظم و امنیت در جامعه، حافظ جان، مال و ناموس مردم است و در این راستا قدرت منحصر به فردی

به آن واگذار شده است. وجود اعتماد، سیاست‌گذاری عمومی و برقراری و تداوم هماهنگی اجتماعی را تسهیل می‌کند. رضایت و اعتماد شهروندان به پلیس با رفتارهای مطیع قانون مرتبط بوده و پیش‌نیاز همکاری آن‌ها با سازمان پلیس است و می‌تواند برای کمک به بهبود روابط پلیس و جامعه به کار برده شود (پوسیک، روک و مک‌دویت، ۲۰۱۳، ص ۴۳).

همچنین، تغییر رویکرد پلیس از تهدید محوری به جامعه محوری نیز نقش قابل توجهی در بهبود عملکرد پلیس و نگرش شهروندان نسبت به پلیس داشته است. در واقع برنامه‌هایی که برای تقویت کمی و کیفی ارتباط پلیس با مردم طراحی می‌شود، تاثیر موفقیت آمیزی در کاهش احساس ناامنی و افزایش اعتماد به پلیس خواهند داشت (هو و مک کین، ۲۰۰۴، ص ۱۲۳). از این رو اعتماد به این سازمان و آگاهی از میزان آن در بین مردم برای مسئولان کشور و فرماندهان پلیس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اجرای این پژوهش برای برنامه‌ریزی پلیس در بهره‌گیری از همکاری و حمایت مردمی ضروری است، زیرا هرچه اعتماد به پلیس بیشتر باشد، همکاری آن‌ها با پلیس بیشتر خواهد بود.

پیشینه پژوهش: مرور پیشینه تجربی اعتماد به پلیس در این پژوهش با تمرکز بر متغیرهای مهم تاثیرگذار بر اعتماد به پلیس صورت گرفته که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

شایگان (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان اعتماد مردم تهران به پلیس» با جامعه آماری ۶۳۰ نفر از شهروندان تهرانی ۲۰ سال به بالا نشان می‌دهد که میزان اعتماد مردم به پلیس در حد مطلوبی است و در مقایسه با پنج نهاد سیاسی مهم کشور، اعتماد مردم به آینده پلیس و حل مسائل مبتلا به جامعه در آینده در بالاترین رده قرار دارد. اعتماد مردم نسبت به ویژگی‌های مدیریتی مسولان ناجا مطلوب و نسبت به ویژگی‌های مذهبی و اخلاقی آنان بسیار بالا است. نتایج تحقیق ساعی و بخشی (۱۳۹۱) در شهر تهران نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، امنیت شغلی) با متغیر وابسته (اعتماد به نهاد و کارگزاران پلیس) وجود دارد؛ این رابطه در متغیرهای سن و امنیت شغلی مثبت و در مورد متغیر تحصیلات منفی است. بر اساس تحلیل رگرسیونی، بین متغیرهای مستقل (انسجام هنجاری، پاسخگویی، کارآمدی و شفافیت سازمانی) با متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی به نهاد و کارگزاران پلیس) در سطح اطمینان ۹۹٪ درصد رابطه معنادار مثبت و قوی برقرار است. حاجی زاده و ترکی (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان دادند که میزان احساس امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و خشونت خانگی

1. Posick, Rocque & McDevitt

2. Ho & Mckean

زنان شهر یزد پایین ولی دینداری در میان آنان بالا بوده است. احساس امنیت با متغیرهای تحصیلات، وضعیت اشتغال و دینداری رابطه معنی داری داشته ولی با متغیرهای سن، وضعیت تاهل، خشونت خانگی، مشارکت اجتماعی این رابطه معنی دار نبوده است. عظیمی (۱۳۹۵) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه ترس از جرم و سلامت عمومی در زنان شهر زنجان دریافته که نگرانی از قربانی شدن، با افسردگی، اضطراب، کارکرد اجتماعی و با نشانه‌های جسمانی رابطه معناداری دارد.

در زمینه مطالعات انجام گرفته در خارج از کشور نیز پژوهش‌هایی در زمینه اعتماد به پلیس و عوامل تاثیرگذار بر آن صورت گرفته که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

بژورنسکن<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) با استفاده از یک نمونه بین المللی که بیش از ۸۰ کشور در آن حضور داشتند، رابطه مثبتی بین اعتماد عمومی اجتماعی (اینکه آیا فکر می‌کنید بیشتر مردم قابل اعتمادند یا اینکه باید مواظب باشید؟) و رضایت از زندگی یافت (بژورنسکن، ۲۰۰۶). نتایج پژوهش نی شیجین<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) در ژاپن، نشان داد که بین اعتماد به پلیس و میزان جرایم رابطه وجود دارد. هر چه اعتماد به پلیس بیشتر باشد، میزان وقوع جرم کم‌تر است (نی شیجین، ۲۰۰۹، ص ۷۴) و هر دو سطح اعتماد به مردم و اعتماد به نهادها به صورت مستقلی با شادی ارتباط دارند. اعتماد نهادی به پلیس به صورت مثبت، رابطه خود را با شادی نشان داده است (لیونگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱، ص ۴۴۳). اسکوگان<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) در پژوهشی با هدف بررسی سطح اعتماد به پلیس و نگرانی از جرم از این یافته حمایت کرده که افزایش اعتماد به پلیس منجر به کاهش نگرانی از جرم می‌شود. تایلر<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) پژوهشی را در میان ساکنان نیویورک که ترکیبی از سفید پوستان و سیاهان و دیگر اقلیت‌های نژادی و قومی است در زمینه اعتماد و اطمینان به پلیس انجام داده و نشان داده که سیاست‌ها و رویه‌های به کار گرفته شده از طرف پلیس در مقایسه با توانایی پلیس در کنترل جرم و جنایت و بی قانونی، نقش مهم تری در ایجاد و حفظ اعتماد دارد. این پژوهش مدل فرایند محور را تایید و حمایت کرده است. آلد، بنت و مرابیتو<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی با هدف بررسی اثر میانجی اعتماد درونی به پلیس در ترس از جرم شهروندان در هفت کشور در حال توسعه کشورهای کارائیب دریافتند که اعتماد به پلیس نقشی مهم و جزئی در تبیین ترس از جرم ایفا می‌کند. پژوهش فرایتاگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) در مورد مقایسه سوئیس و ژاپن نیز نشان می‌دهد با وجود تفاوت بین ژاپن و سوئیس از نظر نگرش‌های اخلاقی مردم، سطح رضایت از زندگی و میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، به نظر می‌رسد بین

1. Bjornskov

2. Nishijin

3. Leung

4. Tayler

5. Alda , Bennett & Morabito,

6. Freytag

اعتماد اجتماعی و متغیرهای تحصیلات، استفاده از رسانه‌های جمعی و فرهنگ جهان شهری در هر دو کشور رابطه وجود داشته باشد. با وجود استدلال برخی اندیشمندان مبنی بر این که ارتباطی بین اعتماد سیاسی و اعتماد اجتماعی وجود ندارد، نتایج پژوهش مزبور نشان می‌دهد که اعتماد به نهادهای سیاسی در حد گسترده‌ای زمینه را برای رشد و گسترش اعتماد اجتماعی در سطح دو جامعه فراهم می‌آورد. فاندویل (۲۰۰۸) دو موضوع اصلی کارآمدی پلیس در مبارزه با جرم و جنایت و مدیریت پلیس در حوزه جلب رضایت و اعتماد شهروندان را بررسی کرده و دریافته که ارتباط مشهودی بین رضایت کم، فقدان اعتماد و ناکارآمدی وجود دارد. همچنین میزان رضایت‌مندی از پلیس، مدیریت اداره پلیس، رفتار پلیس و زمان پاسخ، با کارآمدی مبارزه با جرائم ارتباط مستقیمی دارد.

**چهارچوب نظری:** اعتماد به عنوان سنگ‌بنای مهم رفتار اجتماعی و سازوکار همبستگی برای نظام اجتماعی مورد توجه صاحب‌نظران بسیاری قرار گرفته است. بنابراین، از دیدگاه‌های مختلف می‌توان به بحث اعتماد پرداخت. در ادامه ابتدا به برخی نظریات جامعه‌شناختی درباره اعتماد اشاره می‌شود، سپس نظریات مربوط به اعتماد به پلیس، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، احساس امنیت و کیفیت زندگی به طور مبسوط مورد توجه قرار می‌گیرد.

**اعتماد:** اعتماد به عنوان جزء اصلی و هسته مرکزی سرمایه اجتماعی در بیشتر نظریات مربوط به سرمایه اجتماعی از جمله نظرات فوکویاما<sup>۱</sup>، زتومکا<sup>۲</sup>، گیدنز<sup>۳</sup>، هابرماس و... آمده است. از نظر فوکویاما (۱۹۹۹) اعتماد به «انتظاری اطلاق می‌شود که در یک اجتماع از رفتار منظم، صادقانه و همکاری جویانه مبتنی بر هنجارهای مشترک بر می‌خیزد» (فوکویاما، ۱۹۹۶، ص ۲۶). او اعتماد را نه فقط جزء یا شاخص سرمایه اجتماعی، بلکه پیش شرط آن تلقی می‌کند. «سرمایه اجتماعی قابلیت است که از گسترش اعتماد در یک جامعه یا بخش خاصی از آن ناشی می‌شود. فوکویاما میزان سرمایه اجتماعی را در وسعت و شعاع اعتماد اجتماعی موثر می‌داند؛ یعنی هر چه میزان گستردگی روابط برون گروهی با آثار مثبت آن تقویت شود، بر میزان شعاع اعتماد اجتماعی افزوده می‌شود و بالعکس، هر چه میزان گستردگی روابط برون گروهی کاهش یابد، میزان اعتماد هم کاهش می‌یابد. گیدنز (۱۳۸۲) مبنای اعتماد را در جوامع سنتی، نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، کیهان‌شناسی مذهبی و سنتی می‌داند، در حالی که کانون اعتماد در جوامع مدرن، نظام‌های انتزاعی است؛ یعنی اعتماد به علائم، نشانه‌ها و همچنین اعتماد به دانش و تخصص.

1. Fondevila  
3. Sztompka

2. Fukuyama  
4. Giddens

او منشاء اعتماد در بزرگسالی و اعتماد متقابل بین شخصی و اعتمادهای انتزاعی را در اعتماد بنیادی جست‌وجو می‌کند (شایگان، ۱۳۸۷، ص ۴۴). در واقع ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبه خود رابطه نزدیک با خودمانی شدن دارد. وجود هر نوع تهدید و عدم احساس امنیت به موازات خود، بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد و این عامل نیز کناره‌گیری از تعاملات اجتماعی را موجب می‌شود. هنگامی که افراد با محیط‌های تهدید کننده مواجه هستند، ممکن است واکنش‌های مختلفی از خود نشان دهند، از جمله عدم اطمینان به دیگران، دوری جستن از مکان‌های خاص و عدم اعتماد به سازمان‌های رسمی از جمله پلیس... (چلبی، ۱۳۸۶، ص ۹). از نظر گیدنز، مفهوم اطمینان و اعتماد به طور نزدیکی به هم مربوط‌اند و در عین حال، اعتماد و امنیت وجودی را نیز به هم وابسته می‌داند. وی احساس امنیت را اطمینانی می‌داند که بیشتر افراد به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۶۱).

ز تومکا اعتماد را نوعی شرط‌بندی در مورد کنش‌های احتمالی دیگران در آینده می‌داند. در این نظریه، قابلیت‌های عاملیتی و زمینه ساختاری مربوط به اعتماد نمودن یا عدم اعتماد از همدیگر تفکیک شده‌اند. ایشان در بحث قابلیت عاملیتی به سه شرط شهرت، عملکرد و ظاهر اشاره دارد و در زمینه ساختاری پنج وضعیت کلان-ساختاری را که تامین کننده اعتماد هستند مسلم فرض می‌کند. این پنج وضعیت عبارتند از: همبستگی هنجاری، پایداری نظم اجتماعی، شفافیت سازمان، انس و آشنایی با محیط و پاسخگویی سازمان.

هنگامی که احساس تعلق اجتماعی به اجتماع یا گروه تقویت گردد، همزمان با آن امنیت ایجاد می‌شود، چرا که افراد در حوزه‌ای قرار می‌گیرند که جزء شمول اخلاقی است. بنابراین در چنین فضایی کسی در صد آسیب رساندن به دیگران نیست و در نتیجه عواملی که بیشترین مانع را در ایجاد و تقویت اعتماد به وجود می‌آورند وجود ندارد و دوستی‌ها افزایش می‌یابد و افراد در آن حوزه نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند. در این حالت احساس امنیت در اجتماع تقویت می‌شود که خود مقوم و تبیین کننده اعتماد اجتماعی به پلیس است. از نظرهایز و توکوویل<sup>۱</sup>، اعتماد پایه اساسی نظم اجتماعی است، اعتماد تنش‌ها را کاهش داده و انسجام را افزایش می‌دهد. آنچه که باعث اعتماد مردم به یکدیگر می‌شود، احساس امنیت است (شارع‌پور، ۱۳۸۳، ص ۷۳). به نظر ولمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)، منبع حمایت و این که هر یک

1. Toqueville

2. Wellman

از پیوندها، چه نوع حمایتی را فراهم می‌کنند از اهمیت بسزایی برخوردار است. حمایت‌های اجتماعی انواع متفاوتی دارند که عبارتند از: حمایت مصاحبتی، حمایت عاطفی، حمایت خدماتی، حمایت مالی و حمایت عملی (فیشر، ۱۹۸۲، ص ۱۲۸ به نقل از باستانی، ۲۰۰۱). مساله اصلی در دیدگاه شبکه، روابط است و واحد تشکیل دهنده ساخت جامعه، شبکه‌های تعاملی هستند. ساخت اجتماعی به عنوان یک شبکه، از «اعضای شبکه» و مجموعه‌ای از «پیوندها» که افراد، کنشگران یا گره‌ها را به هم متصل می‌سازد، تشکیل شده است. اعضای شبکه می‌توانند افراد، گروه‌ها، نهادها، موجودیت‌های حقوقی، سازمان‌ها و... باشند (ولمن، ۱۹۸۸، ص ۹۵). کلاس اوفه<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) معتقد است ارتباط متقابل و مستمر افراد باعث ایجاد نوعی تعهد اخلاقی و احساس تعلق آنان به جامعه می‌شود که در نتیجه آن اعتماد اجتماعی تقویت خواهد شد. تعامل و آشنایی با یکدیگر باعث کسب آگاهی و اطلاعات از دیگران و نظارت بر آنان و قابلیت پیش بینی رفتار افراد می‌شود و این عوامل اطمینان و اعتماد متقابل را افزایش می‌دهد. بنابراین اعتماد، پس از این که نسبت به کسی ابراز شد، از دو راه خود را تقویت می‌کند: در نظر گرفتن وظیفه و منابع فردی (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۲۰۶).

اعتماد به پلیس: اگر پلیس بتواند شهروندان را در فرایند تصمیم‌گیری‌های امنیتی دخالت دهد، نه تنها میزان احساس، تفکر و عمل کنشگران اجتماعی به سوی پلیس تغییر می‌کند، بلکه این تغییر در طول زمان تداوم بیشتری نیز خواهد یافت؛ تداومی که بر میزان تعهد اجتماعی افراد جامعه می‌افزاید. افزون بر این، مشارکت اجتماعی مردم با پلیس اجتماع‌محور در امور امنیتی کارکردهای آشکار و پنهان بسیاری خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: افزایش نظم و انسجام اجتماعی، افزایش میزان تعهد و اعتماد اجتماعی، قبول مسئولیت و انجام کارهای گروهی، افزایش امنیت و احساس امنیت، افزایش مقبولیت اجتماعی پلیس و برقراری روابط عاطفی میان اجتماع محور و مردم (عبدالرحمانی، ۱۳۸۳، ص ۳۶). پلیس می‌تواند به عنوان بخشی از یک رویکرد جمعی به امنیت، در محله‌ها حضور مشهود داشته باشد. اغلب اوقات، هدف از برنامه‌های حضور مشهود پلیس در جامعه، بازدارندگی از جرم از طریق حضور قوی پلیس در صحنه، برقراری نظارت و ایجاد اطمینان عمومی در مورد امکان دسترسی سریع به پلیس است (محمدنسل، ۱۳۸۷، ص ۳۷۹). مارتی<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) دریافتند که عوامل محیطی مربوط به محله نقش معناداری در اعتماد به پلیس دارد. زنانی که در محله‌هایی با میزان جرم پایین زندگی می‌کنند و احساس

1. Claus offe

2. Marti



امنیت بالاتری دارند، پلیس را به طور مطلوب‌تری مورد ارزیابی قرار می‌دهند و به مراتب اعتماد بیشتری نسبت به این نهاد خواهند داشت. شوک امی<sup>۱</sup> و دیگر محققان بر روی سه عامل اساسی در شکل دادن به اعتماد شهروندان از پلیس اتفاق نظر دارند: تجربه‌های مستقیم برخورد با پلیس، عوامل زمینه‌ای چون شرایط نامساعد اقتصادی و کیفیت زندگی در محله‌ها (شوک امی، ۲۰۰۸، ص ۴۹۷).

کیفیت زندگی مفهومی چندسطحی، مبهم و غیرشفاف است، با وجود این به عنوان یک معرف نهایی در ارزیابی سیاست‌های اجتماعی اهمیت زیادی دارد. کیفیت زندگی از یک نظر در دو سطح خرد «فردی-ذهنی» و کلان «اجتماعی» تعریف می‌شود. شاخص‌های کلان، درآمد، اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش و سایر شرایط زندگی و محیطی را در بر می‌گیرد. شاخص‌های خرد نیز شامل ادراک کلی کیفیت زندگی، تجارب و ارزش‌های فردی و معرف‌های مرتبط مانند رفاه، خوشبختی و رضایت از زندگی است (بروان و بندیکت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴، ص ۷). کیفیت زندگی، به نوعی بیان‌گر وضعیت افراد ساکن در یک کشور یا منطقه می‌باشد. نظریات اولیه مربوط به کیفیت زندگی، بیشتر بر نگرانی‌ها و اولویت‌های فردی تأکید داشتند (روباک، ۱۹۸۲، ص ۱۲۵۹). اما در سال‌های اخیر، مباحث نظری، از فردمحوری به سوی نگرانی‌های اجتماعی نظیر امنیت، آزادی، گستردگی کیفیت زندگی و ساختار و کیفیت روابط اجتماعی افراد در جامعه تغییر یافته است (اسمیت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲، ص ۴۰۴). کیز<sup>۴</sup> نیز معتقد است که زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمی‌توان بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد. عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت روانی است و تکالیف و چالش‌های اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرد. فرد سالم از نظر اجتماعی، زمان عملکرد خوب دارد که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار و قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی بداند و احساس کند که متعلق به گروه‌های اجتماعی خود است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهم بداند (کیز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴، ص ۹).

روحه و الیور<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) معتقدند اگر کیفیت زندگی در اجتماع بهبود یابد میزان اعتماد شهروندان به پلیس آن جامعه افزایش می‌یابد. در واقع شهروندان هر چه احساس امنیت بیشتری کنند، اعتماد بیشتری به پلیس و خدماتی که به مردم ارائه می‌دهند خواهند داشت (چرمارک و ویس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶، ص ۳۸۵). ریزیگ و پارکز<sup>۸</sup> (۲۰۰۴) نیز در مطالعه خود نشان دادند شهروندانی که از کیفیت زندگی خوبی برخوردار نیستند

1. Schuck Amie  
3. Roback  
5. kewys  
7. Chermak & Weiss

2. Brown & Benedict  
4. Schmitt  
6. Roh & Oliver  
8. Reisig, & Parkeys

و در جوامع آشفته‌ای به سر می‌برند که احساس امنیت ندارند، به همان نسبت از خدمات پلیس رضایت نخواهند داشت. فرگوسن و میندل<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) معتقدند همکاری و تعامل روزافزون پلیس با شهروندان به طور مستقیم از طریق افزایش احساس اثربخشی و کارایی شهروندان، تحکیم روابط بین همسایگان و دخالت دادن آن‌ها در امور همسایگی و شهر، احساس ترس و ناامنی آن‌ها را کاهش می‌دهد. در واقع ترس و ناامنی در طی زمان تاثیرات مخرب و منفی بر کیفیت زندگی دارد و منجر به مراقبت و محافظت غیرضروری مردم از خودشان شده و آن‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی بازداشته و سطح بی‌اعتمادی به دیگران از جمله پلیس را افزایش می‌دهد (ویسلون و دنجز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰، ص ۳۵). مشارکت شهروندان در گروه‌های پایش محل، آموزش نوجوانان و برنامه‌های پاک سازی، احساس همبستگی اجتماعی شهروندان را افزایش داده و به کاهش ترس و افزایش احساس امنیت و اعتماد اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند. حضور پلیس در بین مردم و تعامل با آن‌ها می‌تواند موجب تشویق مردم به مشارکت در راهبردهای پیشگیرانه از جرم در محل همچون نگهبانی از محل و گزارش‌های ناشناس از فعالیت‌های مجرمانه شود (هال، ۲۰۱۱، ص ۲۴۱).

پاتنام<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) میزان اعتماد افراد را با وضعیت پایگاه اجتماعی، میزان تحصیل، میزان درآمد و تجارب شخصی آن‌ها مرتبط می‌داند. پاتنام در موضوع اعتماد، البته به عوامل اجتماعی اهمیت بیشتری می‌دهد. او در این زمینه می‌گوید: «منابع اعتماد به ما چیزهای زیادتری در رابطه با جوامع و سیستم‌های اجتماعی می‌گویند تا ویژگی‌های شخصی افرادی که در آن جوامع زندگی می‌کنند» (پاتنام، ۲۰۰۰، ص ۱۳۷). به نظر پاتنام افراد، هنجارهای اساسی، مشارکت، همکاری و مبادله را از طریق پیوستگی و تعلق گروهی یاد می‌گیرند و سپس به همدیگر اعتماد می‌کنند. به نظر وی به همین دلیل، میزان اعتماد در اجتماعات کوچک و محدود بیشتر از اجتماعات بزرگ و گسترده با جمعیت بالا است. بنابراین از دیدگاه پاتنام، میزان گستردگی روابط بر میزان اعتماد موثر است. فرانک، اسمیت و نوواک<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) نشان دادند که سطوح بالاتری از تحصیل منجر به نگرش و اعتماد مثبت نسبت به پلیس می‌شود.

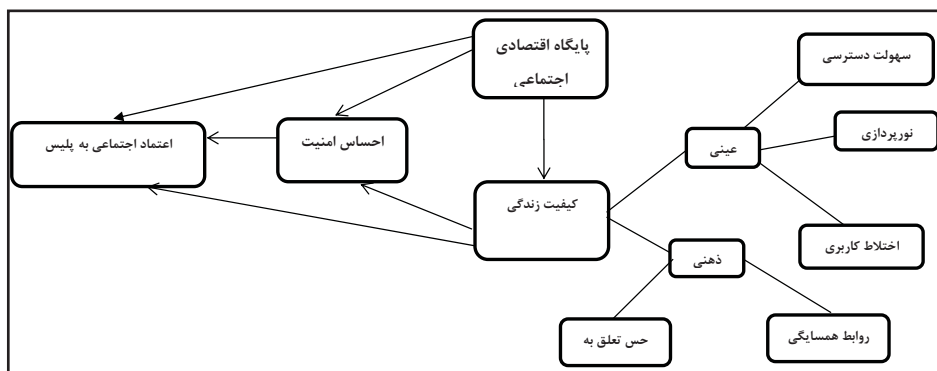
چند مطالعه روابط بین وضعیت اقتصادی - اجتماعی و کیفیت زندگی را بررسی کرده‌اند. جنکیستون<sup>۵</sup> (۱۹۹۹)، همینگوی<sup>۶</sup> (۱۹۹۷) و بریز<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) همگی پیشنهاد کردند که بین کیفیت زندگی و

1. Ferguson & Mindelm  
3. Putnam  
5. Jenkinson  
7. Breeze

2. Wilson & Denges  
4. Frank, Smith & Novak  
6. Hemingway

وضعیت اقتصادی-اجتماعی رابطه وجود دارد. همینگوی (۱۹۹۷) رابطه بین رتبه شغلی و کیفیت زندگی را خدمتکاران شهری بریتانیا بررسی کردند. در این مطالعه تفاوت‌های معنی‌داری بین افراد دارای رتبه‌های شغلی مختلف در هفت خرده مؤلفه کیفیت زندگی (به غیر از سرزندگی) در مردان به دست آمد، ولی در زنان این تفاوت‌ها در چهار مؤلفه کارکرد فیزیکی، درد بدنی، ادراکات سلامتی عمومی و کارکرد اجتماعی به دست آمد. همچنین در مدلی که اشمیت و نول<sup>۱</sup> مطرح کرده‌اند، طبقه اجتماعی، یکی از سنجه‌های رفاه در سطح فردی و اجتماعی کیفیت زندگی است. می‌توان گفت شغل مهم‌ترین منبع و ملاک در سنجش منزلت افراد است. در واقع اقتدار سازمانی، درآمد و احترام اجتماعی افراد تا حد زیادی منوط به شغل آن‌ها است (مندارس، ۱۳۶۹، ص ۲۶۹). کائو و هو<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) معتقدند که رضایت از زندگی تاثیر مثبت و معناداری بر نگرش نسبت به پلیس دارد. آن‌ها تاثیر شادی مردم، محافظه کاری سیاسی و اعتماد به نظام سیاسی و اعتماد به پلیس را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین این عوامل رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (کائو و هو، ۲۰۰۵، ص ۴۰۶). در یک نگاه جمعیت‌شناختی، پژوهشگرانی چون مکین تایر<sup>۳</sup> (۱۹۶۷) در مجموعه مطالعات و پژوهش‌هایی که در باب احساس امنیت به انجام رسانده‌اند، بر عواملی چون جنس، سن و موقعیت اقتصادی-اجتماعی تاکید داشته‌اند (سرای، ۱۳۹۰، ص ۶۷).

**جمع‌بندی ادبیات نظری:** در ادبیات مربوط به اعتماد اجتماعی، عوامل اجتماعی و فردی مختلفی به عنوان عوامل تاثیرگذار بر اعتماد به نهادها به طور کلی و اعتماد به پلیس به طور خاص شناسایی شده‌اند. در این پژوهش از سه متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، کیفیت زندگی و احساس امنیت استفاده شده است. نمودار ۱، مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد و در ادامه فرضیه‌های پژوهش ارائه شده‌اند.



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

1. Eshmit & Null  
3. Makintyer

2. Cao & Hou

- فرضیه ۱: بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه وجود دارد؛
- فرضیه ۲: بین کیفیت زندگی محله و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه وجود دارد؛
- فرضیه ۳: بین احساس امنیت اجتماعی زنان و اعتماد به پلیس رابطه وجود دارد؛
- فرضیه ۴: بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان و اعتماد به پلیس رابطه وجود دارد؛
- فرضیه ۵: بین کیفیت زندگی محله زنان و اعتماد به پلیس رابطه وجود دارد؛
- فرضیه ۶: بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان و کیفیت زندگی محله رابطه وجود دارد.

## روش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، پیمایشی است. جامعه پژوهش را زنان محله سرآسیاب تشکیل داده اند و نمونه ۱۳۵ نفری از آنان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و به وسیله پرسشنامه روا و پایا مورد پرسش قرار گرفته‌اند. در جدول ۱ آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش ارائه شده است. داده‌های جمع‌آوری شده، با استفاده از آزمون همبست

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ متغیرها

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
اعتماد به پلیس	۰/۸۱
احساس امنیت	۰/۹۲
کیفیت زندگی	۰/۹۳
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۶۷

## یافته‌ها

**یافته‌های توصیفی:** بررسی ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان این پژوهش نشان داد که میانگین سن این جمعیت (زنان بالای ۱۸ سال ساکن محله سرآسیاب) برابر با ۳۳ سال است. همچنین، داشتن تحصیلاتی با دیپلم بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. حدود ۵۴ درصد از این جمعیت خانه‌دار و ۲۶ درصد شاغل‌اند. حدود ۴۰ درصد این جمعیت داری همسر و ۱۹ درصد مجرد هستند. بیش از نیمی از پاسخ‌گویان قومیت خود را سه قوم گیلک با ۲۷ درصد، لر ۲۶ درصد و کرد ۲۲ درصد بیان نموده‌اند. میانگین مدت اقامت این جمعیت در محله سرآسیاب حدود ۱۵ سال می‌باشد.

**توصیف متغیرهای پژوهش:** در این پژوهش، توصیف متغیرهای اصلی در بازه ۰ تا ۱۰۰ گزارش شده

است که میانگین آن‌ها در جدول ۲ ارائه شده است. یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که میانگین کل اعتماد اجتماعی زنان ساکن در محله سرآسیاب به پلیس برابر با ۳۵ است که از حد متوسط هم پایین‌تر است.

جدول ۲: توصیف میانگین متغیرهای پژوهش (۱۰۰ تا ۰)

ردیف	متغیر	میانگین
۱	احساس امنیت	۲۲
۲	پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۱۸
۳	سهولت دسترسی	۲۵
۴	نور پردازی	۲۶
۵	اختلاط کاربری	۲۲
۶	روابط همسایگی	۳۱
۷	حس تعلق به محله	۳۷
۸	کیفیت زندگی کل	۳۹
۹	اعتماد اجتماعی به پلیس	۳۵

یافته‌های استنباطی: در این قسمت رابطه میان متغیرها مورد بررسی می‌شود. برای آزمون فرضیه‌ها در این پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. هر شش فرضیه این پژوهش در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با سطح معناداری صفر تایید شد.

- بین دو متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی با ۹۹ درصد اطمینان معادل (۳۸٪) رابطه مستقیم و متوسطی وجود دارد؛
- بین متغیرهای کیفیت زندگی و احساس امنیت اجتماعی با ۹۹ درصد اطمینان معادل (۳۳٪) رابطه مستقیم و متوسطی وجود دارد؛
- بین متغیرهای کیفیت زندگی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با ۹۹ درصد اطمینان معادل (۴۶٪) رابطه مستقیم و نسبتاً قوی وجود دارد؛
- بین دو متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و اعتماد اجتماعی به پلیس با ۹۹ درصد اطمینان معادل (۲۱٪) رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد؛
- بین شاخص کل دو متغیر کیفیت زندگی محله و اعتماد اجتماعی به پلیس با ۹۹ درصد اطمینان

معادل (۳۰٪) رابطه مستقیم و متوسطی وجود دارد؛

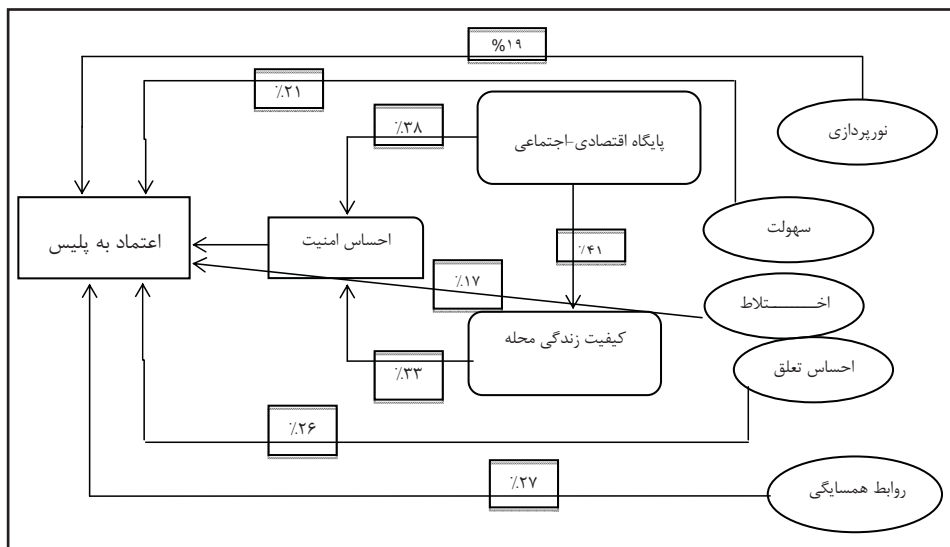
- بین دو متغیر احساس امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی به پلیس با ۹۹ درصد اطمینان معادل (۲۷٪) رابطه مستقیم و نسبتاً متوسطی وجود دارد.
- برای تبیین تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از معادله رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج این بررسی در جدول ۳ ارائه شده است. در جدول ۳ مقدار بتا که نشان‌دهنده تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته است، ضریب تعیین و ضریب همبستگی چندگانه ارائه شده است.

جدول ۳: رگرسیون چندگانه برای اعتماد اجتماعی به پلیس

انحراف استاندارد	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	R
۸/۶۵۵۳۱	۰/۲۶	۰/۲۸	۰/۴۹
سطح معناداری	بتا	متغیر  احساس امنیت پایگاه اقتصادی- اجتماعی نورپردازی سهولت دسترسی اختلاط کاربری احساس تعلق به محله روابط همسایگی	
./۰۰۰			
۰/۰۰۱	./۲۵		
۰/۰۳۲	./۱۰۸		
۰/۰۰۸	۰/۱۹		
۰/۰۰۲	۰/۲۱		
۰/۰۱۷	۰/۱۷۳		
۰/۰۰۰	۰/۲۶		
۰/۰۰۰	۰/۲۷		

بر اساس نتایج رگرسیون چندگانه، ضریب همبستگی چندگانه برای متغیر اعتماد اجتماعی به پلیس، معادل  $R=0/49$  است، به این معنا که متغیرهای احساس امنیت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، نورپردازی، سهولت دسترسی، اختلاط کاربری، حس تعلق به محله و روابط همسایگی به میزان  $0/49$  با اعتماد اجتماعی به پلیس در محله سرآسیاب همبستگی دارند. ضریب تعیین (واریانس تبیین شده)،  $R=0/28$  و ضریب تعیین تعدیل شده،  $R=0/26$  است. به این ترتیب این متغیرها،  $0/26$  درصد کل واریانس اعتماد اجتماعی به پلیس را تبیین می‌کنند. مقدار  $F$  برابر با  $17/43$  و معنادار است و بنابراین، رابطه خطی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تایید می‌شود و این متغیرها بر اعتماد اجتماعی زنان ساکن در محله

سرآسیاب تاثیر می گذارند.



نمودار ۲: تحلیل مسیر عوامل موثر بر اعتماد به پلیس

## بحث و نتیجه گیری

اعتماد، سازه مهمی از سرمایه اجتماعی است که در بستر آن همبستگی و انسجام اجتماعی محقق می شود. و مهم ترین عامل در روابط اجتماعی و جذب و همکاری و همسازی عمومی با پلیس محسوب می شود. یکی از مهم ترین کارکردهای مثبت نظام فرهنگی، ایجاد اعتماد در روابط اجتماعی است. یک جامعه زمانی در آرامش خواهد بود که در آن، بین افراد و مجریان دولتی اعتماد و نیز احساس امنیت وجود داشته باشد. این امر زمانی محقق می شود که افراد جامعه از عملکرد نیروهای برقرار کننده نظم در جامعه رضایت نسبی داشته باشند. این پژوهش به بررسی نقش کیفیت زندگی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (متغیرهای مستقل اصلی) و احساس امنیت (متغیر واسطه) بر اعتماد اجتماعی به پلیس در بین زنان ساکن در محله سرآسیاب پرداخت و نشان داد که هر چه پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد بالاتر باشد، احساس امنیت اجتماعی بیشتری خواهند داشت. زمانی افراد نسبت به جامعه و دیگر اعضای آن، احساس تعلق و خشنودی می کنند که به سطحی از رفاه رسیده و زمینه های لازم برای دسترسی به امکانات و خدمات مختلف آموزشی و بهداشتی و... برایشان فراهم باشد. به عبارتی، میزان بهره مند شدن از این زمینه ها و در نتیجه احساس خشنودی، بستگی به سطح رفاه و پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد دارد؛ لذا زمانی که پایگاه افراد بالاتر باشد، احساس

رضایتمندی بیشتری از زندگی داشته و به همان میزان نیز احساس امنیت را تجربه خواهند کرد و قادر به تولید و بازتولید آن نیز هستند. این نتیجه با پژوهش‌های نبوی (۱۳۸۹) و مکین‌تایر (۱۹۶۷) همخوانی دارد. همان‌گونه که روحه و الیور (۲۰۰۵) و فرگوسن و میندل (۲۰۰۷) مطرح کرده‌اند، میان کیفیت زندگی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مثبت برقرار است. آن‌ها معتقدند اگر کیفیت زندگی در اجتماع بهبود یابد، میزان رضایتمندی شهروندان از پلیس آن جامعه افزایش می‌یابد. در واقع شهروندان هر چه احساس امنیت بیشتری کنند، رضایت بیشتری از پلیس و خدماتی که به مردم ارائه می‌دهند خواهند داشت.

در پژوهش حاضر رابطه احساس امنیت اجتماعی و اعتماد به پلیس تایید شد و مشخص شد که هر چه میزان احساس امنیت زنان ساکن در محل بالاتر باشد، اعتماد آن‌ها به پلیس افزایش خواهد یافت. این یافته همسو با پژوهش‌های صورت گرفته توسط شایگان (۱۳۸۷) و روحه و الیور (۲۰۰۵) است. در واقع افزایش احساس امنیت اجتماعی، می‌تواند تاثیر فزاینده‌ای بر اعتماد به پلیس داشته باشد. می‌توان اذعان داشت که وجود هر نوع تهدید به موازات خود، بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد؛ وقتی که زنان با محیط تهدید کننده مواجه هستند، واکنش‌های مختلف مانند عدم اطمینان به دیگران، اخذ تدابیر حفاظتی، کاهش مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی محله و... نشان می‌دهند. نتایج همچنین تاثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر کیفیت زندگی را تایید کرد. در واقع در تمام رویکردهایی که درباره کیفیت زندگی مطرح شده‌اند، طبقه اجتماعی به عنوان یکی از سنجه‌های رفاه در سطح فردی و اجتماعی مورد تاکید قرار گرفته است. بررسی تاثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان و اعتماد به پلیس نیز در این پژوهش تایید شد. همراستا با بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته همچون فرایتاگ (۲۰۰۳) و نظریه پاتنام (۲۰۰۰)، این پژوهش نیز نشان داد که یکی از عوامل تاثیرگذار و تعیین کننده اعتماد اجتماعی به پلیس، پایگاه اقتصادی-اجتماعی است. پاتنام اظهار می‌دارد اعتماد یک ویژگی فردی است. او اعتماد افراد را با وضعیت پایگاه اجتماعی، میزان تحصیلات، میزان درآمد و تجارب شخصی آن‌ها مرتبط می‌داند. باید گفت هر چه پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان بالاتر باشد، اعتماد اجتماعی آنان به پلیس بیشتر خواهد شد. تایید تاثیر کیفیت زندگی بر اعتماد اجتماعی زنان محله به پلیس نیز با یافته‌های زتومکا (۱۳۸۴)، میشره و کاه (۲۰۰۶)، روحه و الیور (۲۰۰۵) و کلاس اوفه (۲۰۰۰) همراستا است. آن‌ها نشان دادند اعتماد به پلیس رابطه معناداری با کیفیت زندگی محله‌ای که در آن ساکن هستند دارد. در واقع اگر کیفیت زندگی محله بهبود یابد، به رضایت از پلیس و افزایش میزان آن منجر می‌شود.

فوکویاما معتقد است هر چه میزان گستردگی روابط برون گروهی تقویت شود، بر میزان شعاع اعتماد



اجتماعی افزوده می‌شود. بخش اعظم رضایت و خشنودی از زندگی به وجود احساس امنیت فیزیکی و روانی در جامعه برمی‌گردد که جزء وظایف و کارکردهای نیروهای پلیس محسوب می‌شود. این احساس در گرو تسلط پلیس به حوزه‌های ماموریتی خود و انجام درست کارکردهای پلیس است. آگاهی عوامل پلیس از تاثیر نقش خود در رضایت و رفاه ساکنان محلات، این نیروها را نسبت به انجام درست وظایف خود بیشتر متعهد می‌کند. در نهایت از داده‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به سطح متوسط و رو به پایین اعتماد اجتماعی به پلیس در میان زنان ساکن در محله سرآسیاب، به طور روزافزونی از فعالیت و مشارکت زنان در جامعه کاسته می‌شود و طرد بیشتر زنان در جامعه اتفاق می‌افتد. از آنجا که بخش عمده‌ای از اعتماد اجتماعی در فرایند تعامل روزمره افراد با سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف سیاسی، اداری، اقتصادی و نظارتی شکل می‌گیرد، بنابراین تلاش سازمان‌های اجرایی و نظارتی همچون پلیس برای بهبود کارکرد خود می‌تواند به بالارفتن سطح اعتماد افراد به آن‌ها بیانجامد. با بالابردن زمینه مشارکت با پلیس می‌توان افزایش اعتماد به این نهاد را شاهد بود. پلیس پناهگاه مردم به ویژه زنان است و بنابراین مواجهه قاطع پلیس با خاطیان باید در چهارچوب این نقش مهم یعنی پناهگاه بودن، مورد توجه قرار گیرد و نه صرفاً به عنوان مجازات خاطیان به سبب خطاهایشان.

## منابع

- انصاری، حمید (۱۳۸۴). میزان مشارکت شهروندان تهران. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی. تهران، معاونت اجتماعی ناجا.
- بهزاد، داوود (۱۳۸۲). تحلیل نظری سرمایه اجتماعی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی. مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم اجتماعی و رفاه اجتماعی. تهران، انتشارات وزارت دفاع.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه. (افشین خاکباز و حسن پویان، مترجمان). تهران: انتشارات شیرازه.
- حاجی زاده میمندی، مسعود و ترکی، سیمین (۱۳۹۳). بررسی میزان و عوامل اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان شهر یزد. فصلنامه پلیس زن. سال هشتم. شماره ۲۰. صص ۳۴.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی (چاپ چهارم)
- ساعی، علی و بخشی، قدیر (۱۳۹۱). تبیین جامعه‌شناختی اعتماد اجتماعی به پلیس. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۳. صص ۱۳-۵۲.
- سرای، حسن (۱۳۹۰). جمعیت‌شناختی: مبانی و زمینه‌ها. تهران: سمت.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن. مجموعه مقالات بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی ایران. تهران، انتشارات پیام نور.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۷). بررسی میزان اعتماد مردم به پلیس مطالعه موردی شهر تهران. فصلنامه دانش انتظامی. سال دهم.

شماره ۲. صص ۳۸.

زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴). اعتماد؛ یک نظریه جامعه شناختی. (فاطمه گلای، مترجم). تبریز: انتشارات ستوده.  
 عبدالرحمانی، رضا (۱۳۸۷). پلیس اجتماع محور و امنیت محله‌ای (با اشاره به طرح پلیس اجتماع محور ناجا). فصلنامه دانش  
 انتظامی. سال ششم. شماره چهارم. صص ۲۹-۴۰.  
 عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). مسایل و موانع راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران. مجله جامعه‌شناسی. سال پنجم. شماره ۲.  
 صص ۵۴.

عظیمی، فاطمه (۱۳۹۵). رابطه ترس از جرم و سلامت عمومی در زنان شهر زنجان. پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و  
 خانواده. ۴(۶) صص ۲۰-۳۴.

عمرانی نژاد، فاطمه؛ پاکرمان قمی، محمد امین؛ دادخواه و جویباری، توحید (۱۳۹۴). تاثیر عملکرد پلیس بر اعتماد عمومی  
 شهروندان نسبت به پلیس. مطالعات امنیت اجتماعی. سال ۱۳۹۴ شماره ۴۳. صص ۸۸-۷۱.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). جامعه شناسی. (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.  
 محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۷). امنیت انسانی، پلیس و پیشگیری از جرم. مجموعه مقالات همایش بین المللی امنیت انسانی  
 در غرب آسیا. شهر خراسان جنوبی.

مندارس، هانری (۱۳۶۹). مبانی جامعه شناسی. (باقر پرهام، مترجم). تهران: انتشارات امیرکبیر.

- Alda, E, Bennett, R. R., & Morabito, M. S.(2017). Confidence in the police and the fear of crime in the developing world. *An International Journal of Police strategies & Management*.40(2),366-379.
- Brown, B., & Benedict, W. R.(2004). Perceptions of the police: Past findings, methodological issues and police implications. *Journal of policing*.25,543-580.
- Bjornskov, C. (2006). The multiple facets of social capital. *European Journal of Political Economy*,22, 22-40.
- Cao, Liqun,, Hou, Charles(2001). A comparison of confidence in the police in China and in the United States, *Journal of Criminal Justice*, Vol 29, pp 87-99
- Chermak, S., McGarrell, E., Weiss, A.(2006). Citizens' perceptions of aggressive traffic enforcement strategies, *Justice Quarterly*, Vol. 18.
- Ferguson,k.M.,& Mindel,C.It(2007); "Modelling fear of crime in Dallas neighborhoods :A test of social capital theory ", *crime and Delinquency*, No :53, pp:322-349
- Fisher, C. & etal(2001). *Social relay on in urban networks and settings*. Chicagoo. Uni. Chicagoo press.
- Fukuuyama, Francis(1995). *Trust: The social virtues and creation of property*, Free press.
- Hohl, K.(2011). The Role of the Mass Media in Public Trust in the Police Just Authority? *Puplic Trust and Police Legitimacy*, J. Jackson, B. Bradford, E. Stanko and K. Hohl, Routledge, Forthcoming. Pp 241-260.
- Ho, t., & Mckean, J.(2004). Confidence in the police and perceptions of risk. *Western Criminology Review*.5(2), 108-118.
- Keyes, C. L. M.(2004). *Complete mental health: An agenda for the 21 century*. Washington.
- Leung, A, Kier. C , Fung. T• Fung. L • Sproule. R.(2011). Searching for Happiness: The Importance of Social Capital. *J Happiness Stud*. 12:443-462.
- Nishijin, S.(2009). Roles of police and Social Capital Revisited, *The Journal of Socio- Economics*, From:www. elsevier. com.
- Oliver-y.,Huxleyp.,(1997). *Quality of life and mental Health services*.london,first Edition.pp63-79.
- Posick, C., Rocque, M., & McDevitt, J.(2013). One scale Fits All? Assessing racial differences in the

- measurement of attitudes toward the police. *Journal Of Race and Justice*.3(3), 190-209.
- Putnam, D. Robert(2000). *Bowling alone: The collapse and Revival of American Community* New York: Simon and Schuster.
- Roh , S.H.,& Oliver, W. M. (2005). E ffect of community policing upon fear of crime: Understanding the causal linking. *Policing* . Vol.28, Issue.4: pg.670.
- Roback, J(1982), Wages, rents and the quality of life, *Journal of Political Economy*, 90(6): 1257-1278.
- Schmitt R. B.(2002). Considering Social Cohesion in Quality Of Life Assessment: Concepts and Measurment, *Social Indicators Research*, 58: 403-428.
- Schuck Amie & et al.(2008). The Influence of Race/Ethnicity, Social Class, and NeighborhoodContext on Residents' Attitudes Toward the Police, *Police Quarterly*, Vol 11, No 4,496-519.
- Skogan, W. g.(2009). Concern about crime and Confidence in the Police Reassurance or Accountability *Plice Quarterly*. 12(3), 301-318.
- Wellman, B.(1988). *The Community Question Re-evaluated*, Pp. 81-107 in *power, Community and the City* , M. P. Smith(ed. ), New Brunswick, Nj: Tranaction Books.
- Wilson-Doenges, G.(2000). An Exploration of sense of Community and Fear of Crime in Gated Communities, *Environment and Behavior*, 32; 597.